فصلنامه ایده های نوین روانشناسی

دوره ۴، شماره ۸ ، بهار سال ۹۹

نقش خودکارآمدی اجتماعی و شیوه‌های فرزندپروری در شایستگی اجتماعی کودکان

غزل فصیحی[۱]، محسن جدیدی[۲]، طهمورث آقاجانی[۳]

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی پیش بینی شایستگی اجتماعی کودکان بر اساس متغیرهای خودکارآمدی اجتماعی و شیوه-های فرزندپروری بود. روش پژوهش حاضر توصیفی، همبستگی و جامعه آماری متشکل از دانش آموزان پسر کلاس‌های چهارم و پنجم مقطع دبستان مدارس منطقه ۶ تهران به تعداد ۸۱۰ نفر و نمونه تعداد ۲۴۰ نفر بود که به شیوه نمونه-گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. .به منظور گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری والدین بامریند، مقیاس خودکارآمدی اجتماعی اسمیت و بتز و مقیاس شایستگی اجتماعی توسط کوهن و رسمن و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوش از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیری و نرم‌افزار SPSS-۲۲ استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد رابطه بین شایستگی اجتماعی و خودکارآمدی و سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه مثبت و معناداری با شایستگی اجتماعی کودکان دارد و سبک مقتدرانه رابطه منفی و معناداری با شایستگی اجتماعی کودکان دارد. اما سبک سهل‌گیرانه رابطه معناداری با شایستگی اجتماعی کودکان نداشت.

واژگان کلیدی: شایستگی اجتماعی کودکان، خودکارآمدی اجتماعی،شیوه‌های فرزندپروری

[۱] کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد غرب، تهران، ایران ghazalfasihi2@gmail.com
[۲] دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی شهر قدس، تهران، ایران jadidi.mohsen@gmail.com
[۳] استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی شهر قدس ، تهران، ایران t.aghajani2014@gmail.com

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-23]

مقدمه

خانواده به عنوان مؤثرترین واحد تحلیل اجتماعی در بررسی‌ها و مطالعات آسیب شناسی اجتماعی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. خانواده از عوامل اساسی در شکل گیری ویژگی های شخصیتی افراد است .فرد دعواطف و حالات هیجانی خود را از خانواده به ارث می برد و ارزش ها و ویژگی های خانواده را در خود درونی می کند و شخصیت و الگوهای رفتاری خود را در رابطه با سایرین شکل می دهد.الگوهای ارتباطی در خانوادۀ اصلی مانند چگونگی تعامل بین اعضای خانواده، برای رسیدن به عقاید مشترک و نحوۀ اتخاذ تصمیمات توسط اعضای خانواده، بر چگونگی برقراری ارتباط فرزندان در روابط آینده و موقعیت های دیگر بیرون از خانواده اصلی تأثیر می گذارد(قنادی و عبداللهی,۱۳۹۳). رابطه بین کودکان و والدین و سایر اعضای خانواده را می توان به عنوان نظام یا شبکه ای دانست که در کنش متقابل با یکدیگر هستند. این نظام بطور مستقیم و غیرمستقیم از طریق سبک ها و روش های مختلف فرزندپروری در کودکان تأثیر می گذارد، اکثر روانشناسان همچون بالبی[1] (۱۹۶۹)، فروید (۱۹۶۴) و مایز و پتیت[2] (۱۹۹۷)، صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش های متقابل میان والدین و فرزندان را اساس تحول عاطفی تلقی می‌کنند(خویی نژاد، رجایی و محب راد، ۱۳۸۶).

به دلیل آن‌که کودکان از نظر عاطفی نابالغ هستند و در مراحل اولیه رشد اجتماعی و شناختی قرار دارند، سال‌های ابتدایی در رشد سازگاری کودک در سال‌های بعد بسیار مهم است و وجود مشکلات در این سال‌ها زمینه ناسازگاری در آن‌ها را فراهم می کند و مشکلات کودکی حتی اگر موقتی و زودگذر باشد احتمالاً در بزرگسالی عواقب جدی خواهد داشت(گرگسون و همکاران[3]، ۲۰۱۷). یکی از حوزه‌های مهم و اثرگذار در زندگی هر فرد توان تعامل اثربخش با دیگران، درزمینه های مختلف اجتماعی است. به عبارت دیگر شایستگی اجتماعی که به عنوان توانایی اداره مؤثر در تعاملات اجتماعی تعریف می شود به همبستگی با دیگران ، توانایی برقراری روابط نزدیک و پاسخ به روش‌های سازگار در محیط های اجتماعی اشاره دارد(کار و کار[4]، ۲۰۱۷). شایستگی به آن مشخصه‌های دانش، مهارت، چارچوب‌های ذهنی، الگوهای فکری و مانند آن اطلاق می‌شود که به‌کارگیری آن‌ها چه به صورت مستقل و چه در ترکیبات مختلف، منجر به عملکرد موفقیت آمیز می‌شوند.شایستگی اجتماعی شامل دانش، الگوهای ذهنی و روش تفکر، الگوهای فکری، انگیزه اجتماعی، جنبه خود تصوری، مهارت احساس و عمل است(بویاتزیس، بویاتزیس و ریتی[5]، ۲۰۰۹).

علاوه بر الگوهای ذهنی و روش تفکر، قابلیت‌های شخصی در تعاملات و مفاهیم اجتماعی از دیگر حوزه‌های تاثیرپذیر از سبک‌های فرزندپروری والدین می‌باشد. قضاوتی که هر فرد قابلیت‌های شخصی در تعاملات و مفاهیم اجتماعی دارد و به وسیله آن نتایج تعاملات اجتماعی را کنترل می‌کند خودکارآمدی اجتماعی نام دارد(فولادچنگ، ۱۳۹۳). خودکارآمدی اجتماعی یک باور پایه و یا توانایی فرد در کنترل موقعیت های اجتماعی می باشد که منجر به نگرش خوش بینانه و رفتار مثبت می شود، که هر دو به اثربخشی در موقعیت های اجتماعی کمک می کند. کسانی که در این ساختار باور کمی دارند، به‌عبارت دیگر، به عدم توانایی شان در تعاملات اجتماعی پیشرفته باور دارند، سطح واقعی خود از شایستگی اجتماعی و یا آگاهی از رفتار مناسب اجتماعی را در نظر نمی گیرند (باندورا[6]، ۲۰۱۰).

[1] Bowlby
[2] Mize & Pettit
[3] Gregson, K. D., et al
[4] Kar, N., & Kar, B.
[5] Boyatzis, R., Boyatzis, R. E., & Ratti, F.
[6] Bandura, A.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-23]

ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سالها نظر صاحبنظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را بوجود می آورد. کودک در خانواده نیاز های اولیه را درباره جهان فرا می گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می یابد، شیوه ی سخن گفتن را می آموزد، هنجارهای اساسی رفتار را یاد می گیرد و سرانجام نگرشها ، اخلاق ورو حیاتش شکل می گیرد و به عبارتی اجتماعی می‌شود. هر خانواده شدت خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش بکار می گیرد این شیوه ها که شیوه های فرزندپروری نامیده می‌شود اثر طولانی بررفتار، عملکرد، انتظارات و در نهایت بر شخصیت فرزندان در آینده دارند روتراف، کُنی و آن[1] (۲۰۰۹). بی‌گمان حصول به شایستگی و خودکارآمدی بالا در سطوح اجتماعی میسر نخواهد شد جز اینکه کودک در یک محیط، این عاطفی‌گری و محبت مادرانه و پدرانه را بچشد و ارتباط عاطفی مناسبی با والدین خود برقرار نماید از این طریق زمینه را برای شکل‌گیری هویت مناسب و سازگاری اجتماعی مثبت و سازنده آماده نماید. با توجه به توضیحات بالا، در این تحقیق پژوهشگر می‌خواهد به این سوال پاسخ دهد که آیا کارکردهای اجتماعی و شیوه های فرزندپروری در شایستگی اجتماعی دانش آموزان نقش دارد یا خیر؟

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی، از نوع پس رویدادی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را دانش آموزان پسر کلاس‌های چهارم و پنجم مقطع دبستان مدارس منطقه ۶ تهران به تعداد ۸۱۰ نفر تشکیل دادند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و جدول مورگان ۲۴۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری والدینبامریند(۱۹۷۲)، مقیاس خودکارآمدی اجتماعی اسمیت و بتز و مقیاس شایستگی اجتماعی توسط کوهن و رسمن استفاده شد که در ادامه در مورد آن ها توضیح داده شد.

الف: پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری والدین

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری توسط باومریند(۱۹۷۲؛ به نقل از گنجی، رهنمای نمین و پاشاشریفی، ۱۳۹۳) ساخته شده و شامل ۳۰ جمله است که ۱۰ جمله آن به شیوه سهل‌گیرانه و ۱۰ جمله به شیوه مستبدانه و ۱۰جمله به شیوه مقتدرانه مربوط می‌شود. شیوه نمره‌گذاری از ۵ تا ۱ بوده و با جمع نمرات مربوط به هر شیوه سه نمره مجزا به دست می آید و نمره مربوط به هر شیوه که بیشتر باشد شیوه فرزند پروری در نظر گرفته می‌شود. روایی صوری آن تایید شد و پایایی آن را با روش بازآزمایی برای شیوه سهلگیرانه ۰/۶۹، مستبدانه ۰/۷۷، و برای شیوه مقتدرانه ۰/۷۳ به دست آورده‌اند. در پژوهش جعفری آذر(۱۳۹۵) روایی و پایایی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. در روایی همزمان ضریب همبستگی بین میانگین ۲۹ سوال اول و با سوال ۳۰ مقدار ۰/۸۱ به دست آمد و در بررسی روایی محتوایی ضریب روایی کل سوال‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری ۰/۸۶ محاسبه شد. برای بررسی پایایی آزمون از روش همسانی درونی با استفاده از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفای برای شیوه سهلگیرانه ۰/۷۰، مستبدانه ۰/۷۶، و برای شیوه مقتدرانه ۰/۸۳ به دست آمده است

ب: مقیاس خودکارآمدی اجتماعی اسمیت و بتز

جهت بررسی این سازه از مقیاس خودکارآمدی اجتماعی اسمیت و بتز[2] (۲۰۰۰) بهره گرفته شد. این ابزار از ۲۵ گویه تشکیل شده است که میزان اعتماد فرد به خودش را در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون در یک طیف پنج درجه‌ای اندازه

[1] Rothrauff, T. C. Cooney, T. M& An, J. S
[2] Betz

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-23]

می‌گیرد و پاسخ به گویه‌ها از یک (اصلاً به خودم اعتماد ندارم) تا پنج (کاملاً به خودم اعتماد دارم) جای می‌گیرند. مثلاً یکی از این موقعیت‌ها بدین شکل است: «بیان عقایدم در بین افرادی که در خصوص موضوع مورد علاقه‌ام بحث می‌کنند». البته لازم به ذکر است که در پژوهش زارع (۱۳۹۳) سه گویه به دلیل عدم تطابق فرهنگی حذف گردید. این گویه‌ها مربوط به گذاشتن قرار با جنس مقابل و شرکت در مهمانی رقص بودند. از این رو حداقل نمره می‌تواند در این مقیاس ۲۲ و حداکثر آن ۱۱۰ باشد. اسمیت و بتز (۲۰۰۰) پایایی ابزار را با اجرا بر روی ۳۵۴ دانشجوی کارشناسی (۹۰ پسر و ۲۶۴ دختر) به روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برابر با ۰/۹۴ و به روش بازآزمایی با فاصله سه هفته‌ای ۰/۸۲ گزارش نموده‌اند (۰/۸۶ برای پسران و ۰/۸۰ برای دختران). روایی سازه این ابزار نیز توسط سازندگان آن به روش همگرا و واگرا از طریق همبستگی با مقیاسهای اعتماد اجتماعی[1] و کمرویی مطلوب گزارش گردیده است. زارع نیز پایایی این مقیاس زا ۰/۸۹ و روایی سازه را از طریق تحلیل عاملی تاییدی با تایید ساختار نظری مفروضه به دست آورد.

ج: مقیاس شایستگی اجتماعی توسط کوهن و رسمن

مقیاس شایستگی اجتماعی توسط کوهن و رسمن (۱۹۷۲) به دو صورت فرم ۷۳ گزینه ای و ۶۴ گزینه ای ساخته شد و توسط موراج (۱۹۸۵) به منظور استفاده دانش آموزان دبستانی هنجاریابی شد و گویه های آن به ۴۴ سوال کاهش یافت. مقیاس شایستگی اجتماعی سطح کارکردهای هیجانی – اجتماعی کودک را در مدرسه بررسی می کند که معلم با توجه به تعامل کودک با همسالان و بزرگسالان و چگونگی استفاده کودک از محیط کلاسی برای یادگیری، آن را تکمیل می کند. این مقیاس دو خرده مقیاس را در بر می گیرد که شامل: ه مکاری – تسلیم در مقابل خشم – مخالفت و تمایل – مشارکت در مقابل سردی – کناره گیری می باشد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه وتحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیری و از طریق نرم‌افزار Spss-V۲۵ انجام شد.

یافته‌ها

بر اساس نتایج به دست آمده جدول ۱خودکارآمدی اجتماعی و شیوه‌های فرزندپروری قادر است ۳۲٪ از تغییرات در شایستگی اجتماعی را تبیین نماید. همچنین مولفه‌های خودکارآمدی اجتماعی و شیوه‌های فرزندپروری تبیین‌کننده‌های معناداری برای پیش‌بینی شایستگی اجتماعی کودکان هستند($F = 27.854$ و $Sig< 0.05$) ضریب بتا به دست آمده نشان داد ابعاد فرزندپروری استبدادی، فرزند پروری مقتدرانه و خودکارآمدی به ترتیب ۰.۲۴-، ۰.۱۲ و ۰.۳۴۸ قادر به پیش بینی متغیر شایستگی اجتماعی هستند.

جدول1 یافته‌های تحقیق

	R^2	F	Sig	Beta	t	Sig
ثابت					11.133	.000
فرزندپروری استبدادی	.322	27.854	.001	-.240	3.053	.001
فرزند پروری				.121	1.890	.060

[1] Social confidence

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-23]

مقتدرانه				
فرزندپروری سهل-گیرانه		-.078	-1.429	.154
خودکارآمدی		.348	5.620	.000

بحث و نتیجه‌گیری

این یافته ها با مطالعات سایر گروه های مطالعاتی مطابقت دارد که نشان می دهد والدین با سطح بالاتری از حمایت اجتماعی در سطوح بالاتری از رفتارهای مثبت فرزندپروری ارائه می‌دهند. یافته‌های کبالو و مل‌لوید[1](۲۰۰۲) نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی درک شده باعث افزایش شایستگی های اجتماعی شده است و در یافته‌هایی همسو با این نتایج عبادی و حسینی(۱۳۹۴) بیان کردند که ارزش‌های فردی در شایستگی اجتماعی پرستاران موثر می باشد. نتایج پژوهش‌های سید صالحی و یونسی (۱۳۹۴) تمنائی‌فر و منصوری نیک(۱۳۹۳) نشان داد بین ابعاد حمایت اجتماعی، حمایت خانواده و حمایت دیگران، اثر مثبت و مستقیمی بر باورهای خودکارآمدی دانشجویان دارد و باورهای خودکارآمدیبر شایستگی‌های اجتماعی آن‌ها تاثیر می‌گذارد.

پیوندهای اجتماعی به طور گسترده ای به عنوان ضرورتی برای عملکرد روان شناختی سالم و سلامت عمومی دانش‌آموزان است. محققان بسیاری دریافته‌اند که شایستگی‌های اجتماعی می تواند استرس را کاهش دهد با بهبود شرایط فرد را برای مواجهه با شرایط استرس‌زا مقاوم تر می‌سازد(تیلور و همکاران[2]، ۲۰۱۵). از عوامل موثر بر شایستگی‌های کودکان رفتارهای فرزندپروری خانواده است زیرا رفتارهای والدین می‌تواند در شکل‌دهی آن نقش داشته باشد(لیدی، گورا و تورا[3]، ۲۰۱۲؛ لوکا و پرلو[4]، ۲۰۰۴).

بامریند (۱۹۶۷) بیان می کند که کودکانی که در سنین بیش از مدرسه در محیط‌های فرزندپروری اقتدارگرایانه تربیت می شوند، رشد مهارت های اجتماعی، تنظیم عواطف و اعتماد بنفس بهتری را در ارتباط با توان تسلط یابی در وظایف نشان می دهند. والدین مستبد کودکان مضطرب، منزوی و ناشادی تربیت می کنند که عکس العمل های ضعیفی به ناکامی نشان می دهند. اما با این حال این کودکان در مقایسه با فرزندان والدین آزادگذار و مقتدر در مدرسه عملکرد خوبی دارند و به احتمال کمتری در رفتارهای ضداجتماعی درگیر می شوند. کودکانی که در سنین پیش از مدرسه تحت تربیت آزادگذارانه قرار دارند، مهارت های اجتماعی و تنظیم عواطف ضعیف و مقاومت اتدکی در برابر چالش های زندگی نشان می دهند.

بامریند و بلاک (۲۰۰۰) نشان دادند که کودکان و نوجوانانی که با آنان به شیوه تربیتی دموکراتیک رفتار می شود از لحاظ اجتماعی مسئول تر هستند، مستقلند و نسبت به همتایان دارای صلاحیت می باشند.

نتایج مداحی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد در بین سه خرده مقیاس شیوه های فرزندپروری، تسلط آموزی پیش بینی کننده قوی تری برای رفتار سازشی است. زیرا تغییری به اندازه یک انحراف معیار در متغیر تسلط آموزی موجب تغییر در رفتار سازشی شد. نتایج لامبورن و همکاران(۲۰۱۲) نشان داد کودکان والدین سهل‌گیر نسبت به کودکان والدین مقتدر

[1] Ceballo, R., & McLoyd, V. C.
[2] Taylor, Z. E.,et al
[3] Leidy, M. S., Guerra, N. G., & Toro, R. I.
[4] Loukas, A., & Prelow, H. M.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-23]

سازگاری روان شناختی کمتری نشان می‌دهند. نوجوانان والدین سهل گیر عزت نفس بالایی دارند ولی در عین حال درجه بالایی از سوء مصرف دارو و خلاف های رفتاری را در مدرسه نشان می دهند به علاوه رفتارهای خلاف آنها در دبیرستان افزایش می یابد. همچنین شیوه های فرزندپروری سهل گیرانه با بزهکاری و پرخاشگری فرزندان به دلیل فقدان نظارت و اهمال کاری والدین ارتباط دارد.

باید توجه داشت که داشتن انتظارات متناسب با توانایی های فرزندان همراه با حد معقولی از محبت موجب افزایش پشتکار و خود کارایی فرزندان می شود در صورتی که وجود اقتدار غیر منطقی که بر اساس میل والدین به تسلط بر فرزند باشد به احساس طرد شدگی، پرخاشگری و در نهایت افسردگی و اضطراب منجر می شود بر اساس پژوهش ها فرزند پروری مثبت با رشد عاطفی کودکان رابطه دارد که این رشد شامل درگیری در فعالیت های عاطفی است که که پرورش دهنده رشد اجتماعی کودکان است و همچنین خود مختاری که که به کودک کمک می کند تا اهداف خویش را در گام های قابل دسترسی دنبال و به کشف راه های جدید و انتخاب دست بزند . رفتارهای مثبت والدین، این باور را در کودک پرورش می دهد که وی موجودی ارزشمند است و در زمان مشکلات می تواند روی حمایت والدین خویش حساب کند.والدینی که از سبک فرزند پروری مستبد استفاده می کنند با احتمال بیشتری موجب بروز مشکلات درون سازی در کودک می گردند.

در تبیین این یافته‌ها باید گفت سبک اقتدارگرایانه را می توان فراهم کردن یک شیوه تربیت روشن و جدی دانست که با گرمی، استدلال، انعطاف‌پذیری و گفت و شنود کلامی مشخص می‌شود. والدین اقتدارگرا حد و مرزهایی را مشخص می‌کنند و بر اعمال فرزندان نظارت دارند اما در عین حال روابط کلامی خوبی با بچه‌ها برقرار می‌کنند و والدین برای رسیدن به اهداف تربیتی خود از استدلال بهره می‌برد اما رفتار خود را صرفاً بر اساس خواسته‌های کودک تنظیم نمی‌کند. این روش باعث افزایش مسئولیت‌پذیری، استقلال، شایستگی اجتماعی و اعتماد بنفس در کودکان می‌شود که اختلال‌های هیجانی مانند اضطراب و افسردگی کمتر در میان آنان بروز می‌یابد.

والدینی که شیوه استبدادی را در پیش می‌گیرند، بسیار کنترل کننده هستند و از کودکان انتظار اطاعت بی چون و چرا دارند. این سبک با کناره گیری و عدم دلبستگی والدین به کودک، فقدان گرمی در روابط و استفاده والدین از تنبیه برای کنترل فقدان گرمی در روابط و استفاده والدین از تنبیه برای کنترل فقدان گرمی در روابط و استفاده والدین از تنبیه برای کنترل رفتار کودک مشخص می‌شود. به گفته بامریند (۱۹۶۷) والد سعی دارد با استانداردهایی کاملاً انتزاعی نگرش و رفتار کودک را تحت کنترل درآورد. در این سبک تعاملی یک طرفه بین والد و کودک وجود دارد طوری که والد به عنوان راهنمایی محسوب می‌شود که کاملاً نگرش‌ها و رفتارهای کودک را تعیین می‌کند و اصلاً تحت تأثیر کودک قرار نمی‌گیرد. والد مستبد استقلال کودک را محدود می‌کند تا اطاعت همه جانبه و کامل او را کسب کند. والدین دارای سبک آزادگذارانه انتظار و خواسته‌های بسیار کمی از کودک خود دارند و این باور را دارند کودک خود می‌تواند هدایت‌گر رفتارهای خویش باشد. این والدین از حداقل تنبیه برای کودک استفاده می‌کنند. این والدین ممکن است بسیار گرم و پذیرا یا سهل‌انگار و سر به هوا باشند بنابراین انتظار می‌رود در سبک فرزندپروری استبدادی کودک به دلیل عدم باور به حمایت والدین از اعتماد به نفس و عزت نفس کمتری برخوردار باشد که می‌تواند منجر به احساس اضطراب در وی گردد.

در پژوهش حاضر اگرچه در جهت عینیت، دقت و صحت آن تلاش فراوانی به عمل آمد؛ امّا همانند سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی نیز وجود داشت، که عدم آشنایی بخش قابل توجهی از پاسخگویان با فرهنگ پژوهش در علوم انسانی و عدم امکان ارزیابی پایایی ابزارهای سنجش از طریق روش بازآزمایی به دلیل عدم امکان دسترسی مجدد به نمونه آماری از مهمترین محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. حمایت اجتماعی ممکن است برخی از فشارها و عوامل استرس‌زا مربوط به

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-23]

والدین را از بین ببرد و اجازه دهد تا والدین فعالانه در فرزندپروری درگیر شوند یا شبکه های پشتیبانی اجتماعی به طور بالقوه می تواند کمک های ملموس تر مانند کمک را در مورد مراقبت از کودکان و حمایت های مالی فراهم کند. بنابراین، مداخلاتی که باعث افزایش حمایت اجتماعی والدین می شود، به طور غیرمستقیم از طریق تاثیر آن بر رفتارهای والدین می‌تواند به نفع کودکان باشد، بنابراین می‌توان با اجرای برنامه‌های مداخله درمانی به بهبود حمایت اجتماعی در خانواده‌ها یاری رساند.

سپاسگزاری
از کلیه افرادی که در این پژوهش ما را یاری رساندند بی نهایت سپاسگزاریم.

منابع

تمنائی فر، لیث و منصوری نیک(۱۳۹۳) رابطهٔ حمایت اجتماعی ادراک شده با خودکارآمدی در دانش‌آموزان .مجلهٔ روانشناسی اجتماعی۸(۲۸).

جعفری, اصغر, رحمانی, هانیه, امیری مجد, مجتبی. (۱۳۹۵). پیش‌بینی قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان دختر مدارس ابتدایی عادی و تیزهوش بر اساس ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره. پژوهش های علوم شناختی و رفتاری, ۶(۲)

خویی نژاد غلامرضا, رجایی علیرضا, و محب راد تکتم(۱۳۸۶). رابطه سبکهای فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر. دانش و پژوهش در روان شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان).۳۴(۱).

صالحی، محمد، یونسی، جلیل(۱۳۹۴) تبیین نقش خودکارآمدی تحصیلی بر عملکرد و انگیزش تحصیلی مبتنی بر حمایت اجتماعی، خودپنداره تحصیلی و ویژگی‌های شخصیتی: مدلسازی معادلات ساختاری. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی.۷(۱۹).

فولادچنگ محبوبه (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر شادکامی و خودکارآمدی زنان سرپرست خانوار. زن و جامعه (جامعه شناسی زنان). ۳(۱).

قنادی, فاطمه, حسین عبداللهی, محمد. (۱۳۹۳). ارتباط ادراک رفتار والدین با طرحواره های ناکارآمد اولیه. مطالعات روان شناسی بالینی, ۴(۱۶), ۱۲۹-۱۵۱.

گنجی, حمزه, رهنمای نمین, شریفی, و حسن پاشا. (۲۰۱۴). پیش بینی گرایش نوجوانان به اعتیاد براساس ویژگی های شخصیتی و شیوه های فرزندپروری به منظورارایه ی مدلی برای پیشگیری. *اندیشه و رفتار در روان شناسی بالینی*, ۹ (۳۳), ۴۷-۵۶.

مداحی، محمدابراهیم؛ لیاقت، ریتا؛ صمدزاده، منا و مرادی، ایرج. (۱۳۹۰). بررسی تعامل رفتار سازشی و شیوه های فرزندپروری. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته خانواده درمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

مروتی, ذکرالله, بهرامیان, حکیمه, مکتبی, غلامحسین. (۱۳۹۳). روایی، پایایی و ساختار عاملی مقیاس شایستگی اجتماعی در دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی شهر اهواز. مجله مطالعات روانشناسی تربیتی, ۱۰(۱۸), ۱۸۱-۲۰۰.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-23]

Adler, A. (2002). *The collected clinical works of Alfred Adler*(Vol. 1). Alfred Adler Institute.

Bahramiyan, S. H., Maktabi, G., and Morovati2, Z. (2014). Comparison of Emotional Intelligence, Social Competence and its Components in Student with and Without Learning Disability. *Journal of Life Science and Biomedicine*, 4(2), 138-143.

Bandura, A. (1986). Social foundations of thought and action. *Englewood Cliffs, NJ*, *1986*.

Bandura, A. (1993). Perceived self-efficacy in cognitive development and functioning. *Educational psychologist*, *28*(2), 117-148.

Bandura, A. (2010). Self-efficacy. *The Corsini encyclopedia of psychology*, 1-3.

Boyatzis, R., Boyatzis, R. E., & Ratti, F. (2009). Emotional, social and cognitive intelligence competencies distinguishing effective Italian managers and leaders in a private company and cooperatives. *Journal of Management Development*.

Ceballo, R., & McLoyd, V. C. (2002). Social support and parenting in poor, dangerous neighborhoods. *Child development*, *73*(4), 1310-1321.

Gregson, K. D., Tu, K. M., Erath, S. A., & Pettit, G. S. (2017). Parental social coaching promotes adolescent peer acceptance across the middle school transition. *Journal of Family Psychology*, *31*(6), 668.

Kar, N., & Kar, B. (2017). Social cognition and individual effectiveness in interpersonal scenarios: A conceptual review. *J Mental Health Hum Behav*, *22*, 27-34.

Leidy, M. S., Guerra, N. G., & Toro, R. I. (2010). Positive parenting, family cohesion, and child social competence among immigrant Latino families. *Journal of Family Psychology*, *24*(3), 252.

Loukas, A., & Prelow, H. M. (2004). Externalizing and internalizing problems in low-income Latino early adolescents: Risk, resource, and protective factors. *The Journal of Early Adolescence*, *24*(3), 250-273.

Robinson, C., Mandleco, B., Olsen, SF., Hart, CH. (2011). The parenting style and dimensions Questionnaire (PSQD). Handbook of family measurement techniques; thousand oaks: sage. Vol.3. p: 319-321.

Rothrauff, T. C., & Eby, L. T. (2011). Substance abuse counselors' implementation of tobacco cessation guidelines. *Journal of psychoactive drugs*, *43*(1), 6-13.

Taylor, Z. E., Conger, R. D., Robins, R. W., & Widaman, K. F. (2015). Parenting practices and perceived social support: Longitudinal relations with the social competence of Mexican-origin children. *Journal of Latina/o psychology*, *3*(4), 193.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-23]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۴، شماره ۸ ، بهار سال ۹۹

Abstract
The purpose of this study was to assess the social competence of children based on social self-efficacy variables and parenting practices. The research method is descriptive, correlation f, n. The statistical population consisted of 4th grade and 5th grade elementary school students in the 6th district of Tehran, 810 people and a sample of 240 people. For data collection, a questionnaire for parental parenting styles from Baumrind, Smith's social self-efficacy scale And Betz and Social Competency Scale by Cohen and Rausmans and for analyzing Peugeh's data, multivariate regression analysis and SPSS-22 software. The results showed that there is a positive and significant relationship between social competence and self-efficacy and coping style with children's social competence. The authoritative style has a negative and significant relationship with social competence of children. But the permissive style did not have a significant relationship with the social competence of children.
Key words: Social competence of children, social self-efficacy, parenting practice

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-23]